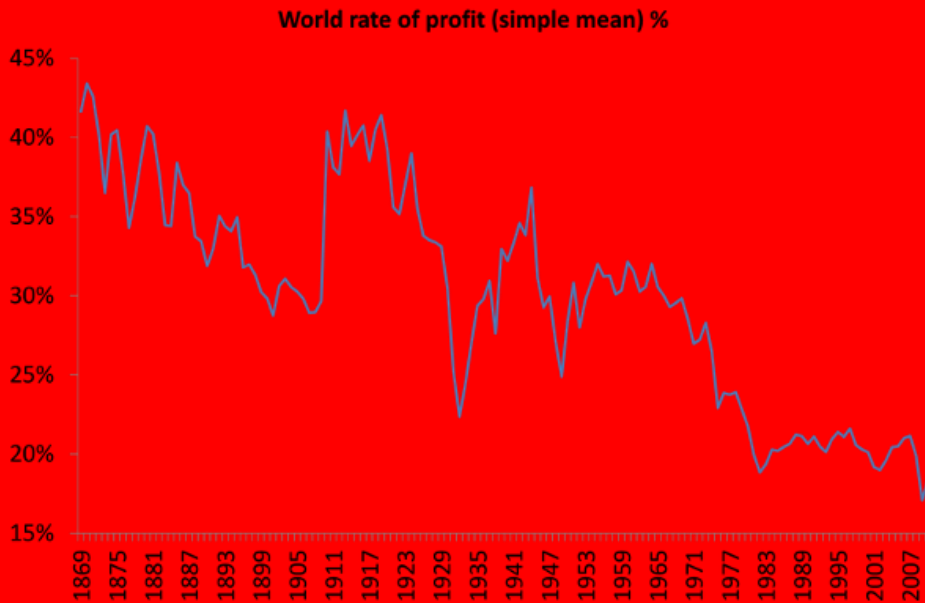


سرمایه داری جاودانه نیست!



نرخ سود جهانی

صدای انترناسیونالیستی

E-mail: contact@internationalistvoice.org

Homepage: www.internationalistvoice.org

تلگرام: <https://t.me/intvoice>

سرمایه داری فقط شکل تاریخی برای تولید اجتماعی است. قبل از سرمایه داری، اشکال دیگری از شیوه های تولیدی با سطوح مختلفی از رشد نیروهای تولیدی وجود داشته اند. مبدا این پروسه تلاش انسان برای زندگی در طبیعتی است که او را به رشد دائمی نیروهای تولیدی مجبور میکند. هیچ نظام اجتماعی در دوران شکوفائی خود از هم پاشیده نمی شود، تنها پس از یک دوره انحطاط است که جای خود را به نظام اجتماعی عالیتری می سپارد.

امپراطوری روم در دوران عظمت خود نپاشید بلکه زمانیکه کار بردگی دیگر پاسخگوی نیازهای جامعه نبود، فنودالیسم وارد صحنه تاریخ شد. فنودالیسم در روابط تولیدی رو به زوال برده داری شکل گرفت. فنودالیسم نیز زمانی دوران عظمت خود را داشت. اما تجارت رشد بیشتری یافت و نیاز به کارگر آزاد ضرورت بیشتری پیدا کرد و صنعت رشد کرد. نظام فنودالی زنجیری بر دست و پای نیروهای تولیدی شده بود و به تبع آن سرمایه داری وارد صحنه تاریخ شد. به عبارت دیگر هم برده داری و هم فنودالیسم دوره های رشد، عظمت و زوال خود را داشته اند. این مسئله در مورد نظام سرمایه داری نیز صادق است. تاریخ شیوه تولید سرمایه داری را میتوان به دو دوره تقسیم کرد.

دوره اول زمانی است که بورژوازی نقش انقلابی در جامعه ایفا می کرد و مناسبات تولیدی امکان رشد نیروهای تولیدی را فراهم می آورد. دوره دوم زمانی است که سرمایه داری وارد دوران انحطاط خود شده است، طبقه بورژوا به یک طبقه ضد انقلابی و ارتجاعی تبدیل شده است و روابط سرمایه داری مانعی در راه پیشرفت نیروهای تولیدی است.

مشخصه اصلی سرمایه داری در حال انحطاط، چرخه بحران، جنگ و بازسازی است. جنگ جهانی اول بیانگر آن بود که سرمایه داری وارد عصر انحطاط خود شده است و به آخرین راه حل خود برای بحران خود، جنگ جهانی متوسل شده بود. در عصر انحطاط سرمایه داری، روابط تولیدی سرمایه داری غل و زنجیری بر دست و پای نیروهای تولیدی می شود. تنها در این مقطع است که شرایط مادی برای وقوع یک انقلاب اجتماعی و در عصر کنونی انقلاب کمونیستی مهیا می شود.

نکته حائز اهمیت این است که انحطاط تاریخی سرمایه داری نه به مفهوم پایان رشد نیروی تولیدی، بلکه بدین معنا است که رشد نیروهای تولیدی در عصر انحطاط سرمایه داری بسیار مخرب تر انجام می گیرد. رشد نیروهای تولیدی در عصر انحطاط سرمایه داری متوقف نمی شود چرا که سرمایه داری بدون انباشت قادر به عملکرد خود نمی باشد. در اینجا است که چرخه بحران، جنگ و بازسازی اهمیت خود را پیدا میکند، چرا که صنعت جنگ خون تازه ای برای

سرمایه تولید میکند. در جریان جنگ جهانی اول ویران شدن اروپا باعث رشد آمریکا شد و بازار خوبی برای آمریکا ایجاد کرد. جنگ جهانی دوم تقریباً کل جهان را درگیر خود کرد و ویرانیهای حاصله زمینه دوران شکوفایی دهه ۵۰ و ۶۰ میلادی را مهیا کرد. در شرایط کنونی زمینه و شرایط برای جنگ جهانی مهیا نیست لذا جنگها به سوی جنگهای محلی سوق پیدا میکند، برای مثال، جنگ بالکان، جنگ خلیج، جنگ عراق، جنگ افغانستان و...

هدف نهایی تولید سرمایه داری، آن ارزش اضافه ای است که انباشت سرمایه را ممکن سازد. بورژوازی در عطش ارزش اضافه بیشتر، تلاش میکند ارزش اضافه را از طریق تبدیل آن به شکل نقدینگی و سپس با سرمایه گذاری بارآوری کار را بالا ببرد. بالا بردن بارآوری کار برای آن است که در مدت زمان کمتر، کالاهای بیشتری تولید شود.

اما بالا بردن بارآوری کار مترادف با کاهش ارزش کالا است، از سوی دیگر کالاهای هر چه بیشتری تولید شده و به تبع آن کل ارزش اضافی تولید شده افزایش یافته است. اینجاست که یکی از تناقضات لاینحل سیستم سرمایه داری خود را نشان میدهد. زمانی که تولید سریعتر از سود دهی گسترش یابد، روند انباشت سرمایه قطع خواهد گردید و جامعه دچار بحران میگردد.

کمونیسرها جبرگرا نیستند و به دخالت و تاثیر گذاری انقلابیون در مبارزه طبقاتی باور دارند. بدون دخالت و تاثیر گذاری گرایشات انقلابی در اعتراضات اجتماعی تنها خشم خفته اعتراضات اجتماعی تخلیه خواهد شد و اعتراضات اجتماعی نخواهند توانست به سطح عالی تری ارتقاء یابند.

سرمایه داری بوی خون، کثافت و لجن میدهد. اگر طبقه کارگر به حکم تاریخی خود، یعنی به زیر کشیدن سرمایه داری از طریق انقلاب کمونیستی عمل نکند، نابودی بشریت حتمی است. نابودی بشریت حتماً از طریق جنگ جهانی نیست بلکه میتواند از طریق توحش سرمایه، پاندامی و پروس، فجایع زیست محیطی نیز انجام بگیرد.

فیروز اکبری

۲ آبان ۱۴۰۰